

به دنبال راه جاویدان طراحی و ساخت در قرآن

پای صحبت دکتر محمدعلی آبادی،
استاد دانشکده معماری و شهرسازی

دکتر فرخنده مفیدی



رساله من همان سنت‌های جاویدان است. مرز بین ذات ناپیدا با عالم شناسا کجاست؟ ما باید آنجا را پیدا کنیم. ما در یک فرایند شکوفنده هستیم و آن وجه باقی هم به تناسب این شکوفایی لحظه به لحظه تجلی جدیدی دارد. پس، ما چیزی برای آموزش نداریم. این تجلی لحظه بعد به صورت لطیف‌تر و دقیق‌تری است، به تناسب رشد عقلانی انسان. در

شما در رساله دکترای خود به چه نتایجی دست یافتید؟
این کار به صورت یک کار قیاسی انجام شد. من در ابتدا با این نیست به خارج از کشور رفتم که در بحث شعورمندی کالبد تحصیل کنم. شما باید بدانید که تمام ذرات عالم که آن‌ها را جماد حساب می‌کنید، همه زنده‌اند و شعور و قدرت ثبت اطلاعات و تولید انرژی دارند و حتی قادر به کنترل سلول‌های عصبی شما هستند. من وقتی با این دیدگاه به آنجا رفتم، چون این تفکر مبتنی بر یک تحقیق آکادمیک نبود، آن را رها کردم. در آنجا با نظریه‌ای بنیادین از کریستوفر الکساندر برخورد کردم به نام «راه جاودانگی». این تئوری ادعا می‌کند که تعقل و تفکر کار را خراب می‌کند و فقط با فانی شدن از همه رموز هستی اطلاع پیدا می‌کنید. او می‌گوید این نظر را از اسلام گرفته است. ما نقد کردیم که اسلام تفکر و تعقل را اساس خود می‌داند و با تفکر تضادی ندارد. از آن کتاب سنت‌های عقلانی جاویدان را استخراج کردیم. البته هفت مورد را به طور مفصل در رساله دکترای خود توضیح داده و حدود صد مورد را در حد یک بند خلاصه کرده‌ام ولی اصل

دکتر محمدعلی آبادی از زبان خود

من تخصص خود را در حوزه حکمت اسلامی و آموزش معماری و هنر اسلامی گرفته‌ام و نکته جالب این است که راه جاویدان طراحی و ساخت را بر مبنای این آیه از سوره مبارکه رحمان گرفته‌ام: «کل مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَبِئْتَى وَجْهٌ رَّكْبٌ». همه مجموعه آفرینش در ساختار حقیقی خود فانی و فناپذیر است و تنها چیزی که باقی است وجه پروردگار است. در واقع، وقتی کلمه «رب» مطرح می‌شود، یعنی شما هم باید مثل من عمل کنید. انسان با نفس ناطقه خود که وجه ممتازش از سایر موجودات است، در مقام خدانما آفریده شده است و ما این را الگو گرفته‌ایم برای اینکه چگونه خداگونه خلق کنیم و راه خدا را به عنوان مربی خود دنبال کنیم. این مفهوم را هم در رساله دکترای خودم با عنوان «به دنبال راه جاویدان طراحی و ساخت در قرآن» و هم در طول این سال‌ها پیگیری کرده‌ام. خوشبختانه در بحث آموزش هم تقریباً حدود چهار ترم در دانشگاه همین موضوع را به صورت نظری و عملی کار کرده‌ام.

آنجا این اصل مطرح شده و سازوکار آن اصول بنیادین تعریف شده است و چند نمونه را مفصل شرح داده و به بعضی از موارد هم اشاره کرده‌ایم.

من کارنامک (رزومه) شما را که مطالعه می‌کردم، دیدم که در دوره کارشناسی ارشد، بخشی از تدریس خود را به روش‌های طراحی

قرآنی فقط آن چیزی که الان در آموزش عمومی شناخته می‌شود، نیست. انسان برای معماری آفریده شده است. در سوره مبارکه هود آمده است: «ما شما را از زمین انشا کردیم و بر معماری آن مسئول ساختیم»؛ یعنی هرکسی از جنس انسان در زمین فعالیت می‌کند، زمین را معماری می‌کند. معماری در واقع در خمیرمایه این زمین وجود دارد و

سابقه قبلی پیدا کنید. «آفر» یعنی فر و شکوه الهی را شما پدیدار کنید. این وظیفه انسان است. من در گروه فرهنگی آموزشی هم در دانشگاه چندین ترم فعالیت کردم. ما مجموعه‌هایی را با عنوان مؤسسات یا مراکز آموزشی، فرهنگی بازی‌محور و پژوهش‌بنیان طراحی کردیم. چگونگی استخراج اصول عقلانی از طبیعت را آموزش دادیم. نمونه‌هایی را هم ساختیم. ما فکر می‌کردیم در چند نقطه ایران می‌توانیم نمونه‌سازی کنیم؛ چون همه کارهای آن انجام شده بود. من هم آرزویم این است که آنچه را بر مبنای مستقیم آیات قرآن و استنادات عقلی، فلسفی و عرفانی به آن‌ها دست یافته‌ایم، جایی ثمر بدهد اما فعلاً با برخورد خوبی مواجه نشده‌ایم.

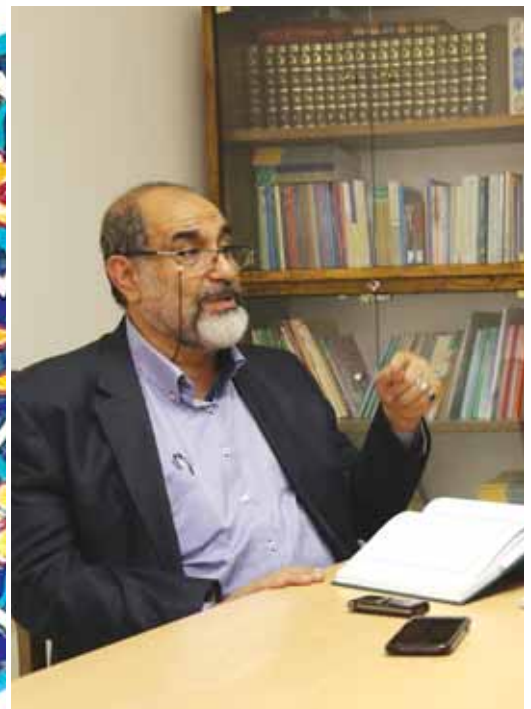
چه انگیزه‌ای برای کار در حوزه کودکان دارید؟

من خودم از معلمان بنیان‌گذار امور تربیتی هستیم. در هفت سال اول زندگی امور تربیتی در استان‌ها و مناطق فعال بودم ولی بعداً متوجه شدم که گویا باور قلبی و اعتقادی که ما نسبت به امور تربیتی داشتیم، در آموزش و پرورش دیده نشده است و ما را زیادی می‌دیدند و احساس می‌کردیم که تحمیل شده‌ایم. الان هم فکر می‌کنم این تفکر وجود دارد. در آن زمان، ما آموزش و پرورش را رها کردیم. ما سی، چهل نمونه خوب و طراحی شده داشتیم که در آن‌ها حتی شکل‌گیری صندلی و میز و فضای یک اتاق هم پیش‌بینی شده بود. طرح ما مسئله‌محور و عمل‌گرایانه بود؛ منتها آن عمل را به‌عنوان راه و بستری برای آموختن باید بدانیم.

به نظر می‌رسد یک نگاه



اصل آن این است که استعدادها بالقوه زمین را بالفعل کنیم. با این دیدگاه، من کتابی به نام «گوهر هنر» نوشتم. در حقیقت، این کتاب مقدمه‌ای است بر بحث حکمت هنر و چیستی و حقیقت هنر. در این کتاب توضیح داده‌ام که مقام انسان زیبایی‌آفرینی است و آفریدن به معنای این نیست که چیزی را بدون



معماری اختصاص داده‌اید. با توجه به فضاهای کنونی، به ویژه در مراکز آموزش پیش از دبستان، آیا این نوع فعالیت‌ها شما را به سمت معماری برای مکان‌های آموزشی هم سوق داده است؟ در این زمینه چه پیشنهادی دارید؟
اولاً شما باید بدانید معماری با تفکر

مهارت محور هم می توان به مسئله داشت؛ نظر شما چیست؟
در حقیقت، در دل این ماجرا مهارت و فن وسیله کشف حقیقت و بیان آن است، اصل نیست. ریشه و اصل، معرفت است. معرفت ذاتی شما به حق باید از قوه به فعل درآید. این هدف آفرینش است.

اصولاً در طراحی های معماری، نقش معماری سنتی و مدرن را چگونه می بینید؟ فکر می کنید کدام یک با روحیه کودکان سازگارتر است؟

فهم ما از این دو واژه غلط است؛ یعنی ما نه مراد از سنت را می دانیم و نه مدرنیسم را. به همین دلیل، عده ای ادعا می کنند که سنتی خوب است و عده ای مدرن. من می گویم سنت الهی ما نوگرایی لحظه به لحظه است. سنت چیزی است که تغییرناپذیر است. در قرآن می خوانیم سنت الهی نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل. در سنت، ما حرکت و تکامل نداریم ولی به علت رشد مرتبه مند و فرایندمدار و تدریجی، عقل انسان می طلبد که محبوب و معشوق برای این فهم و شعور به تدریج رشد یابد و به تناسب، تجلیات لحظه به لحظه جدید داشته باشد. به این دلیل، از سنن تغییرناپذیر الهی نو شدن لحظه به لحظه است. از این سنت کسی مدرن تر سراغ ندارد. من متأسفم برای معماران ما که به اسم معماری اسلامی، معماری هشتصد سال پیش را الگو قرار می دهند. گذشته ای ارزش دارد که به آینده ربط داشته باشد.

در مورد فضاهای آموزشی برای کودکان یک جمله معروف علمی وجود دارد و آن اینکه فضا با افرادی که در آن رفت و آمد می کنند ارتباط برقرار می کند؛ آیا فضاهای آموزشی کنونی ما این ارتباط را

برقرار می کنند؟

اجازه بدهید این طور ادامه دهم که در آنجا هم شما معماری سنتی و معماری مدرن را باید در آموزش و پرورش ببینید؛ یعنی باید به این درجه برسید که فضاهای آموزشی لحظه به لحظه باز طراحی شوند؛ به تناسب فهم و نیاز جدید شما. حضرت علی (ع) می فرماید: «کل متوقع لات»؛ یعنی هر چیزی که شما توقع آن را داشته باشید و به ذهن شما برسد، صددرصد تحقق پیدا می کند. وقتی چیزی از قوه خیال شما می گذرد مقدمه ای است برای آینده جهان. این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

پس آزادی اندیشه چه می شود؟

در عالم ماده چیزی آزاد نیست. در عالم ماده که همه اشیا محدود به حدود یکدیگرند، چیزی آزاد نیست. تمام این مجموعه جبر مطلق است. جبر هم به معنای نظم است. به شما اختیار داده اند و اختیار از «خیر» است. باید بدانید که خیر یکی از اسامی خداست؛ خیر یعنی فایده. به شما اختیار داده اند، یعنی طالب خیر هستید. انسان به ذات خود، طالب خیر است اما آن چیزی که شما نگران آن هستید، سر جای خودش وجود دارد. مشکل اصلی ما در فهم نادرست از توحید است. عالم چیزی نیست جز حق. وجود عالم حق است. وجود همان علم است. متأسفانه فهم ما از این مطالب صفر است، حرف من این است که اول باید بنیان های معرفتی را درست کنیم.

مطالب شما بسیار اندیشمندانه و ارزشمند است. محیط های آموزشی در گذشته حالتی روحانی و تقدس خاصی داشتند و انسان مسحور زیبایی و ارزشمندی علمی آنها می شد. ولی امروزه هر فضایی می تواند محیط آموزشی باشد. این

موضوع خوب است یا بد؟

زمانی مساجد جایگاه مشخصی داشتند ولی یک بار امام خمینی گفتند: «عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت نکنید.» با این حرف، همه جا مقدس است. همه جا تجلی حق است. حدیث داریم از حضرت رسول (ص) که می فرماید: خداوند برای من زمین را مسجداً و طهوراً قرار داد. زمین مقدس است و حضور الهی است. این دنیا



تجارت خانه و راه خداوند است. پس، هر محیطی می تواند محل عبادت، مدرسه، محل فهم و درک باشد. ما باید دید مقدس بینی داشته باشیم.

شما در کارنامه خود سروده هایی دارید و اشعاری را به مناسبت های مختلف مطرح کرده اید. به حوزه کودک هم علاقه مند بوده اید؟ ممکن است بیشتر توضیح دهید.

در آنجا با نظریه‌ای بنیادین از کریستوفر الکساندر بر خورد کردم به نام «راه جاودانگی». این تئوری ادعا می‌کند که تعقل و تفکر کار را خراب می‌کند و فقط با فانی شدن از همه رموز هستی اطلاع پیدا می‌کنید. او می‌گوید این نظر را از اسلام گرفته است



سروده‌های من در موضوعات مختلف است؛ از عرفان در هنر تا انسان‌شناسی و سروده‌های مذهبی. در کتاب «حسین وارث آدم» یک فصل را از زبان کودک گفته‌ام. کتاب دیگری به نام «مسافر بهشت» دارم که براساس داستان جوجه اردک زشت است. آن هم از زبان کودک است و نشان می‌دهد که جوهره وجودی انسان با هجرت به کمال می‌رسد و خود را در نهایت پیدا می‌کند و برمی‌گردد برای نجات دیگران.

اگر اجازه بدهید ما در مجله کتاب «مسافر بهشت» را معرفی کنیم تا مخاطبان ما بتوانند با این زاویه دید آشنا شوند؟

کتاب قسمت دیگری به نام «عبدالله حق‌گو» دارد که فقط بنده خداست و جز حرف حق نمی‌زند. حرف حق هم تلخ است؛ پس همه او را دعوا می‌کنند و از آنجا هجرت می‌کنند. در اینجاست که شهرها برای شما هیچ برتری‌ای ندارند؛ ما انسان هستیم. من الان به یک بچه شش، هفت ساله یاد داده‌ام که میز را که می‌بیند، خدا را ببیند و هر جسمی را می‌بیند خدا را ببیند. او باید بتواند فایده‌مندی و خیر را ببیند. هرگاه خیر را دید، خدا را در آن دیده است. بزرگ‌ترین مشکل ما این است که فرمان حق را اطاعت نمی‌کنیم که حرف را گوش بدهیم و بگذاریم حرف در ما نفوذ کند. اگر رنگ‌ها و تعلق‌ها را کنار بگذاریم، دعوایی با هم نخواهیم داشت.

کودکان احساسشان را به ما منتقل می‌کنند و من یقین دارم این حس را برای شما هم ایجاد خواهند کرد. اگر پیام خاصی دارید که در فهم اندیشه‌هایتان به ما کمک بیشتری کند، بفرمایید.

در آیات ۲۰ تا ۲۳ سوره حدید یک الگوی بسیار عالی در شناخت حقیقت

جهان آمده است و اینکه ما چگونه با این جهان برخورد کنیم و آموزش و پرورش هم همین‌طور. بدانید که زندگانی این دنیا بازیچه و لهو و لعب است. اشتباه ما اینجاست که از لهو و لعب، بیهودگی را برداشت می‌کنیم؛ در حالی که خداوند از کار بیهوده مبراست. در ادامه می‌گوید: مقام این دنیا در حد گیاه بهاری است. این زندگی مانند بارانی است که کفار از آن به تعجب می‌آیند. هوا که گرم می‌شود، گیاه زرد می‌شود و به خار و خاشاک تبدیل می‌شود. اما نتیجه این زندگی زودگذر، یا عذاب شدید است یا رضوان و مقام رضایت الهی. این دنیا متاعی است که باید به وسیله آن آخرت خود را بسازید. چگونه؟ مسابقه بدهید که لباس مربی خود را بپوشید و به اخلاق الهی در بیایید. وقتی با صفات الهی پوشیده شوید، خودتان بهشتی می‌شوید که پهنه آن مراتب عقلی و عینی را فرا گرفته است. وعده داده شده است برای کسانی که به امنیت عقلی رسیده‌اند و آن را به فعلیت درآورده‌اند. هر چه واقع می‌شود، مصیبت است. با این مصیبت یعنی آنچه باید بشود. با این حساب، نه از اینکه چیزی از دست دادید ناراحت شوید و نه از اینکه چیزی در این بازیچه بردید، خوشحال شوید. فخر هم نداشته باشید. بحث اصلی ما این است که بدانیم این دنیا بازی است، اما بازی قانون دارد. بازی و بازیچه را خلق کرده‌اند تا در بستر بازی معرفت بیاموزید. امام علی(ع) می‌فرماید: این دنیا میدان پیش از مسابقه است و در آن دنیا هرگز کمال عقلانی توقف ندارد و تا نهایت آن در حال تجلی جدید است.

بسیار ممنونم از شما و از وقتی که به مجله رشد پیش‌دبستانی اختصاص دادید. امیدوارم در آینده بتوانیم آثاری از شما در حوزه کودکان به‌ویژه بازی و شعر در این نشریه معرفی کنیم.